

پژوهشی اجمالی در زمینه‌ی

ادبیات کودکان

نوشته و بهمن رازانی

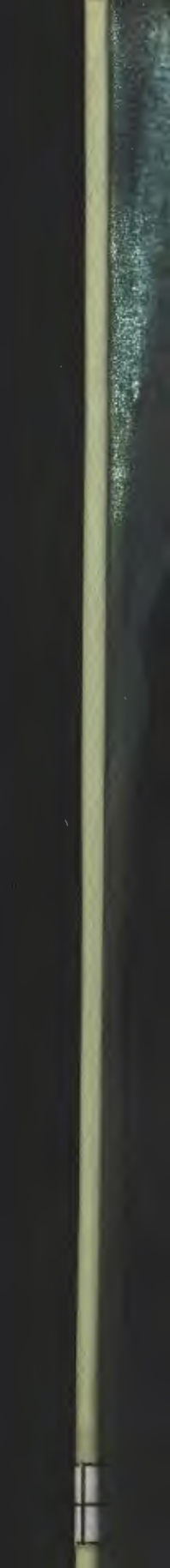
منتشر شده است:

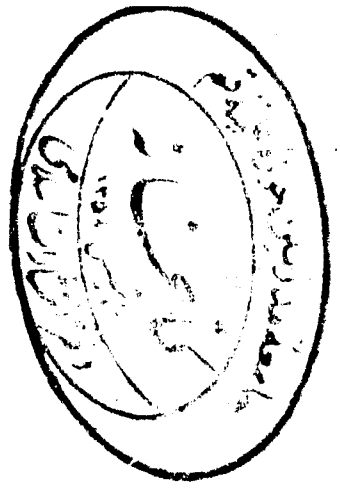
- مسائل فلسفی - تالیف: احمد سعیدی
آزمونهای هوشی - تهیه و تنظیم احمد سعیدی
شناخت هوش و استعداد تحصیلی »
هوش و کاربرد آن »
۱۲۰۰ تست ادبیات فارسی - نوشته: حسن ناظمی
فرهنگ شرق »
دستورنویساراهنمای تجزیه و ترکیب جمله‌های فارسی
تالیف، حسن ناظمی

شماره ثبت کتابخانه ملی $\frac{۱۷۸۲}{۳۶/۲/۱۰}$



خیابان شاه‌آباد - تلفن ۳۰۱۵۷۶





کتابخانه و دفتر انتشارات اسلامی
 وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
 مسلسل ۳۸۴۵
 قفسه ۱۱۶
 ردیف ۴
 شماره ۵۷

پژوهشی اجمالی در زمینه‌ی

« ادبیات کودکان »

نوشته: بهمن رازانی

کتابخانه تخصصی
 انتشارات شرق
 ۱۳۷۴

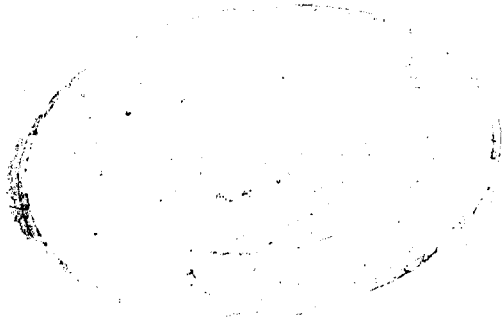


انتشارات شرق
 تلفن ۳۰۱۵۲۶



کتابخانه تخصصی ادبیات

این کتاب مربوط به اینجانب بوده، که
 کتابخانه دفتر انتشارات اسلامی
 وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه
 قم را گذار شده. ولی چون در آنجا مورد
 استفاده واقع نشده به کتابخانه تاریخ
 اسلام و ایران اهداء گردید.
 محمد رضا فاخر



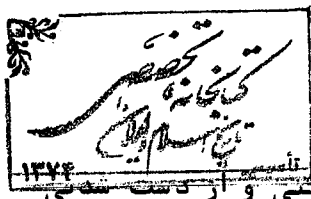
مؤسسه انتشارات شرق حق چاپ محفوظ
تلفن ۳۰۱۵۷۶

نام - پژوهشی اجمالی در زمینه ی " ادبیات کودکان "

نویسنده - بهمن رازانی

چاپ - اول

سال طبع - ۲۵۳۵ چاپ - چاپخانه رشدیة



پیشگفتار

انسان نیز - چون دیگر موجودات - از میان رفتنی و از دست شگونی است. اما در مقابل چنین واقعیتی - که پاره ای آن را دردناک می دانند - تولد و پیدایش کودکان آرامش بخش و فافع کننده است. بسختی دیگر آدمی در عین آن که خود را دیر یا زود رو در روی مرگ می یابد، ادامه ی حیات خویش را در زندگی کودکان خود جستجو میکند و ایشان را استمرار وجود خویش میداند. و از این روست که شخص با هر قدر شعور و آگاهی، در حد توانائی خویش، در پرورش کودکان خویش سعی دارد و بهروزی خویش را در نیک بختی ایشان میجوید.

بدین ترتیب طبیعی است که هر یک از مسائل و عوامل مربوط به تربیت کودکان دقیقاً "و جدا" مورد توجه و اعتنای اعضای جامعه واقع شود. و بهمین جهات است که "ادبیات کودک" هم بعنوان یکی از "ابزار" مهم و مؤثر پرورش کودکان و نوجوانان و وسیله ی آموزش غیر مستقیم ایشان میبایست مورد بحث و بررسی واقع گردد. غرض از این بحث و بررسی طبعاً آن است که مربی یا پدر و مادر کودک بیش از بکار بردن این "وسيله" ابتدا آگاهی و معرفتی دقیق و همه جانبه نسبت بدان بدست آورند و بهره های انتخاب "وسيله" ی مناسب و بهنجار و زیانهای انتخاب "وسيله" ی نامناسب را دریا بند. این چنین آگاهی و معرفت قبلی ناگزیر پدر و مادر و مربی و معلم را بدقت در انتخاب و بحث و بررسی پیرامون هر "جزء" از ادبیات کودک و ادار کرده از معایب ناشی از گزینش های کورکورانه جلوگیری خواهد گردید.

نزد مادرجندین سال اخیر ، با توسعه‌ی سواد و دانش ، با عمومیت یافتن ابزار رسانه‌های گروهی ، طبعاً " اقبالی نسبت به خواندنی‌های ویژه‌ی کودکان پدیدار گشته است . و در مقابل چنین تقاضائی ، عرضه‌ای نیز در بازار کتاب فراهم آمده است .

بی تردید در کتابهای عرضه شده بعنوان کتابهای کودکان و نوجوانان ، بدو خوب ، زیانبخش و بهره‌آور ، ناب و آب ، سره و باسره در کنار هم در معرض فروش قرار می‌گیرد . و کار انتخاب کتاب برای کودکان و نوجوانان — با همه‌ی اهمیتی که قطعاً باید برای آن قائل شد — چندان آسان بنظر نمی‌رسد . بویژه هنگامیکه توجه شود که کتابهایی که در زمینه‌ی شناسائی ادبیات کودکان بزبان ما نگاشته شده است ، بده جلد نمی‌رسد ، مشکلات پدران و مادران و مربیان را در کزینش کتابهای مناسب از میان حجم کالاهای عرضه شده میتوان نیک دریافت .

آنچه در صفحات آینده از نظر خوانندگان ارجمند ، خواهد گذشت ، کوششی در حد توانائی است برای شناساندن ادبیات کودک و هدفها و مصداقها و کاربردهایش .

دستنویس اولیه‌ی این مختصر را ابتدا جهت بهره‌مندی همکاران فاضل وارجمندم ، دانشجویان دوره‌های تربیت مربی کودک تهران ، نگاشته‌ام و از آن جا که خود — ضمن تدریس — بیش از گذشته به مباحث این رشته دلبسته‌ام ، و نیز لزوم جلب توجه بیش از پیش مردمان را باین مباحث دریافته‌ام ، درصدد چاپش برآمدم . اگر این صفحات تنها لزوم توجه بخواندنیهای کودکان ودقت

در انتخاب کتابهای ایشان را بذهن خوانندگان متبادر سازد ، من در برداشتن
قدم کوچکی که منظورم بوده است ، موفق بشمار خواهم آمد .

بهمن رازانی

فصل اول

گفتار اول

ادبیات ، پیدایش و تحول آن

از زمان یونان باستان تا کنون ، برخی از دانشمندان پنداشته اند که آدمی قطرتاً " و بر حسب غریزه اجتماعی است . برای اثبات این پندار حتی بقیاس آدمی با حیواناتی نظیر موریانه ، مورچه ، زنبور عسل و فیل - که دسته جمعی زندگی میکنند - پرداخته اند .

اما دانش زیست شناسی امروز ثابت داشته است که آنچه از راه توارث به آدمی نسلی پس از نسل دیگر منتقل میشود ، چیزی جز صفات جسمی آدمی نیست . و از دریچه ی چشم دانش امروز انسان حیوانی از زمره ی پستانداران است که مانند هر حیوان پستاندار دیگر ، صفات جسمی خویش را بکودکان خود به ارث میدهد . و در تمامی " ژن های وی " ژن خاصی که عامل نقل صفت " اجتماعی بودن " باشد ، یافت نمیشود .

باقبول این واقعیت که آدمی " حیوان " است ، میتوان با رجوع به طبیعت آگاه شد که این " حیوان " بواسطه ی ضعف جسمی خویش در مقابل نیروهای طبیعی

و موجودات دیگر ناگزیر در جهت بقای خویش طی سالیان درازی که از عمر وی بر گره ی زمین میگذرد ، بکوشش و تلاش پرداخته است .

بعبارت دیگر میتوان گفت که چون آدمی در عرصه ی زندگانی نه پای تیز دوی آهو را داشته است نه چنگال تیز گرگ را و نه منقار قدرتمند دارکوب را که با آن ابزار بدست آورد ، بخورد و بگریزد ، بناچار برای ماندن میبایست از هوش خویش بیش از جانوران دیگر بهره گیرد و به تلاش و تکاپو برخیزد . این تلاش و تکاپو برای ماندن از یک سو به " ابزار سازی " انسان منجر گشته است و از سوی دیگر وی را به " زندگی اجتماعی " وادار نموده است .

بسختی دیگر میتوان گفت انسان برای غلبه بر ضعف خویش و باقی ماندن و پایداری در مقابل تمامی عوامل منفی طبیعت ، ناچار ابتدا همراه جفت خویش زندگانی کرده است . و اندک اندک زندگانی ایشان طی سالها بزندگانی دسته جمعی تبدیل شده و خانوارهای اولیه و بعدها طایفه ها و قبایل و عشیره ها و بالاخره اقوام و ملل را پدید آورده است .

با این مقدمات چنین نتیجه میشود که :

- ۱- آدمی حیوانی است که جهت آسان تر زندگی کردن به دسته جمعی زیستن روی آورده است و بتدریج " جامعه " ی انسانی را بنیاد نهاد ماست .
- ۲- چون زندگانی آدمی در جامعه جهت زندگی کردن و آسان تر زندگی کردن اوست ، تمامی پدیده های اجتماعی که حاصل فعالیت مشترک او و دیگران

است ، هدفی جز بهروزی و سعادت آدمی ندارد .

۳- " اجتماع " محیط طبیعی زندگانی آدمی نیست و از این روست که شخص برای زندگی در این محیط میبایست آماده شود و این " آمادگی " معمولا " بوسیله ی جامعه بدوگونه ی " مستقیم " و " غیر مستقیم " از راه آموزش در آدمی پدید آورده میشود .

گفتار دوم

فعالیت های فردی ، فعالیت های اجتماعی

آدمی در هر بخشی از زمان فعالیت های مختلفی می کند ، می خورد ، می آشامد ، تنفس میکند ، روزنامه می خواند ، آموزش می بیند ، و . . . شک نیست که از بین این فعالیتها پارهای ارتباطی با جامعه ندارد و آدمی که خارج از جامعه - بفرض- زندگی کند ، آن فعالیتها را دارد . اما شک نیست که روزنامه خواندن ، سخن گفتن ، تفکر کردن و نظایر آنها از فعالیت های اجتماعی است و فرض انسانی که از ابتدای زندگانی در جنگل یا کوهی تنها بوده است و اینک در همانجا با خود سخن می گوید ، یا کار هنرمندانه می کند ، یا روزنامه میخواند ، بی شک محال است . بنابراین ، چنین فعالیت های رافعالیت اجتماعی نام میدهیم .

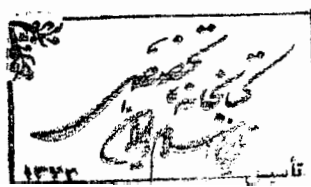
قابل ذکر و توجه است که هدف و غرض نهائی از هر یک از بدیده هاو

فعالیت‌های اجتماعی، دست آخر "سعادت آدمی" یعنی بالابردن میزان لذات وی و بهره‌وری او از زندگانی است.

گفتار سوم

ادبیات چیست؟

بامقدماتی که آمد، شکی باقی نمی‌ماند که "ادبیات" پدیده‌های اجتماعی است. و اینک میبایست بعنوان پدیده‌ای اجتماعی از آن تعریفی بدست داد. اما قبل از ذکر تعریفی از ادبیات ناگزیر بایست گفت که امروز بسیاری از صاحب نظران علوم انسانی بحق معتقدند که از پدیده‌های اجتماعی نمی‌بایست و نمی‌شود تعریف کرد. چرا که اجتماع همیشه در حال پویائی و تکامل است و پدیده‌های اجتماعی هم همگام با جامعه طبعاً "پویا و متحول" است. و از این رو تعریفی که پنجاه سال پیش تمامی مصداق‌های یک پدیده را در بر می‌گرفته است، امروز تکافوی آن را نمی‌کند. چنانکه مثلاً "تعریف شعر نزد گذشتگان ما بدین شکل که "شعر کلامی موزون، متکرر، متساوی و مقفی است" امروز شعر آزادی‌ها شعر نورا در بر نمی‌گیرد. زیرا هیچیک از اشعار زیبا و ارزنده‌ی "پریا" سروده‌ی احمد شاملویا "زمستان" و یا "آواز چگور" سروده‌های اخوان ثالث دقیقاً "مشمول تعریف فوق نمی‌شود. مثلاً "شعر "پریا" موزون و متکرر است اما متساوی و مقفی نیست. و پاره‌ای از اشعار شاملویا مثلاً "آیه‌های زمینی



" فروغ فرخزاد " هیچیک از شرایط تعریف را واجد نیست .

بنابر آنچه که ذکر شد ، بدست دادن تعریفی از ادبیات که در همه ی قرون و اعصار صدق کند ، ممکن نیست . با این وصف شاید تعریف زیر بتواند تا حدودی مشخصات این پدیده را بنمایاند :

" ادبیات مجموعه ی بازتابهای آدمیان است در مقابل عوامل مختلف

درونی و برونی که بصورت کلام همراه با تخیل و عاطفه در آمده و هدفش سعادت

آدمی است "

قید تخیل تاریخ را از ادبیات جدا می کند . مفهوم " عاطفی " علوم را از مشمول تعریف خارج میسازد و قید " کلام " ادبیات را از دیگر هنرها مشخص و متمایز میسازد و ذکر هدف سعادت آدمی در ادبیات از آن جاست که هر پدیده ی اجتماعی هدف راستینش سعادت و بهروزی آدمیان است .

گفتار چهارم

ادبیات کودک چیست؟

در دستور زبان فارسی " اضافه " گاه برای نشان دادن ملکیت و گاه برای بیان تخصیص و ویژگی بکار میرود . اضافه گشتن کلمه ی " ادبیات " به کلمه ی " کودک " جهت بیان تخصیص و ویژگی است . بعبارت دیگر بدون تردید غرض از " ادبیات کودک " آن دسته از داستانها ، افسانه ها ، اشعار و مثل هائی

است که خاص کودکان بوجود آمده است یا لاقلاً طی زمان چون بکار ایشان میآمده است، ویژه‌ی آنان گشته است. شک نیست که ادبیات کودک بخشی یا جزئی از ادبیات هر قوم یا ملت است و طبعاً "در تعریفی که قبلاً" ذکر شد، میکند. اما در عین حال برای تمایز آن از دیگر شاخه‌های ادبیات میتوان آن را بشکل ویژه زیر یا اشکال مشابه آن تعریف کرد: "ادبیات کودک مجموعه‌ی نوشته‌ها، سروده‌ها و گفتاری است که از طرف بزرگسالان جامعه برای استفاده‌ی خردسالان فراهم شده است".

این تعریف هم مانند هر تعریف دیگر از پدیده‌های اجتماعی قابل تردید و ایراد است. و از این رو تعاریفات دیگری نیز از ادبیات کودک میتوان بدست داد. مثلاً:

"مجموعه‌ی نوشته‌ها، سروده‌ها، گفتارهای خاص کودکان در زمینه‌های غیر درسی" میتواند تعریف دیگری از ادبیات کودک باشد.

فصل دوم

گفتار اول

هدف نهائی ادبیات کودک

ادبیات کودک پدیده‌ای اجتماعی است. پیش‌تر هم اشاره کردیم که تمامی پدیده‌های اجتماعی هدف نهائیشان سعادت‌مندی و بهروزی آدمیان است. از این روش نیست که هدف نهائی ادبیات کودک نیز سعادت‌مندی و بهروزی انسان‌هاست. برای پی‌بردن بچگونگی این حقیقت، مطالعه‌ی مختصری در هدف ادبیات بطور کلی و بررسی راه و روش آن و سنجش این راه و روش با راه روش دیگر سازمانها و مؤسسات اجتماعی خالی از فایده نیست.

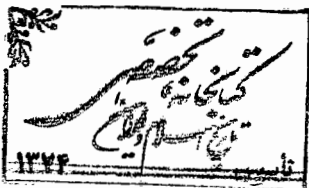
دانش فیزیک، علم شیمی، طب، دامپروری و ادبیات همگی پدیده‌های اجتماعی است. هدف یکایک این مؤسسات سعادت آدمی است. اما فیزیک برای رسیدن بدین هدف از راه اختراع ماشین، تهیه‌ی برق و نظایر آن‌ها سعی میکند زندگی آدمی آسان‌تر شود. شیمی برای رسیدن بدان هدف دارو می‌سازد.

غذا تهیه میکند ، از فساد غذا جلوگیری میکند ، پوشاک میسازد و از این راهها زندگی را ساده تر و امکان بهروزی را بیشتر می کند . روش طب و دامپروری و کشاورزی نیز در جهت نیل به هدف فوق روشن است . حال این سؤال پیش می آید که روش ادبیات چیست و این مؤسسه برای رسیدن بدان هدف چه میکند ؟

مختصراً " میتوان گفت روش ادبیات بررسی و مطالعه ی نقائص ، کمبودها کسری ها ، بی عدالتی ها ، ناهنجاریهای جامعه ی انسانی و بازگ کردن آن عیوب در جهت رفع آنهاست .

بعبارت دیگر ادیب می گوید جامعه را با دید تیز بین و موشکاف و عمیق خویش دقیقاً " تحت بررسی در آورد ، و مشکلات و موانعی که در سر راه بهروزی آدمیان است ، ابتدا شناخته و سپس با بیان اذهان جامعه را بدانها متوجه کند تا در رفع آنها اقدام شود .

با این مقدمه راه و روش ادبیات کودک در رسانیدن آدمی بسعدت و بهروزی اندکی گنگ و مبهم جلوه میکند . برای رفع این ابهام با تذکر مجدد اینکه هدف ادبیات کودک هم سعادت مندی انسان است ، روش ادبیات کودک را تحت عنوان هدفیای مقدماتی ادبیات کودک بررسی می نمائیم .



گفتار دوم

هدفهای مقدماتی ادبیات کودک

در ابتدای بحث گفتیم که اجتماع محیط طبیعی زیست آدمی نیست ووی مجبور است در جهت حفظ خویش و مبارزه با طبیعت به زندگی اجتماعی دل-بندد. و نیز اشاره کردیم که بهمین جهت زندگی در اجتماع محتاج آموزشهایی است که شخص میبایست مستقیماً "یا غیر مستقیم از جامعه اخذ کند. بدین ترتیب ادبیات کودک بسهولت تمام در این راه بکمک مربی میشتابد و از این راه بدون هیچگونه فشار و تحمیلی کودک را برای زندگی در محیط اجتماع آماده میسازد. هدفهای مقدماتی ادبیات کودک در این راه عبارتست از:

۱- خریشتن شناسی. کودک طبعاً "اطلاع چندانی از موجودیت خویش

ندارد. دست، پا، سر، چشم، گوش وی برای او چندان شناخته شده نیست و خواص آنها را نمی داند. از غرایز خویش بی اطلاع است و گاه بواسطه بی اطلاعی ممکن است از وجود این داده های طبیعت رنج برد. کودک بمرور زمان میبایست جسم خویش و خواصش را بیاموزد. عواطف خویش را چون خشم، حسد، ترس شق درک کند و طی زمان و بروش غیر مستقیم طرز بهره بردن از آنها را

بیاموزد.

در این زمینه ادبیات کودک طی زمان کودک را با مسائلی هم‌نظیر تولید ، مرگ ، ازدواج آشنا می‌سازد و آهسته آهسته این مفاهیم را در ذهن وی جان می‌بخشد و باری از این راه سعی میکند ویرا برای زندگانی اجتماعی آماده‌سازد .

۲ - شناخت محیط کودک نوزاد از همان روزهای اول هر چیزی را که بباید ، بدهان میکند و از این راه سعی میکند از دریای بی‌شمار مجهولاتی که گرداگردش محیط است ، ذره‌ای را کشف کند . طبعاً " هر چه کودک رشد می‌کند ، پاره‌ای از مجهولات را در می‌یابد اما طبیعی است که اگر وی را بحال خویش بگذاریم هیچگاه دانش و آگاهی‌هایش نسبت به پدیده‌های زندگانی طبیعی و اجتماعی از حد نازلی فزاتر نمی‌رود . این است که برای افزودن این معرفت و بالا بردن سطح آن آگاهی ، آموزش از یکسو می‌شتابد و ادبیات کودک به‌مراه دیگر طرق پرورشی از سوی دیگر . باید توجه داشت که آگاهی شخص بر تعداد معینی لغات مفاهیم آن لغات را نیز در ذهن وی جایگیر می‌نماید . و تجربه‌نشان داده است که نزد اقوام بدوی ، روستائیان و اطفال بهمان نسبت که تعداد لغات مورد استعمال اندک تر از دیگران است ، مفاهیم مرکوز در ذهن نیز اندک تر است . این است که ادبیات کودک با ذکر مفاهیم و موضوعات جدید ، ضمن تکیه بر اطلاعات قبلی کودک ، سعی میکند غیر مستقیم آگاهی و اطلاعاتی از محیط در اختیار وی نهد . اطلاعاتی راجع به گیاهان ، حیوانات ، حشرات ، اوضاع جغرافیائی و طبیعی و اجتماعی بخوبی ضمن داستان و افسانه قابل آموختن بکودکان است .

۳ - عادت دادن کودک به مطالعه و انس به کتاب این معنی متا سفا نه غالباً " مورد عنایت مربیان قرار نمی‌گیرد. در حالی که شاید بتوان بحق ادعا کرد که آشنا ساختن کودک با کتاب و ایجاد رغبت به مطالعه از اهم هدفهای ادبیات کودک در دوره های کودکستان و دبستان است. بسختی دیگر می‌خواهیم از راه خواندن شعرو گفتن داستان، ابتدا کتاب را بعنوان شیء مطبوعی وارد دنیای زیبا و معصومانه ی کودک بنمائیم. هدف آن است که در دوره ی کودکستان و دوره های مشابه کودک کتاب را بعنوان وسیله ای مطبوع بپذیرد تا بعدها اندک اندک با پیشرفت و رشد تدریجی آگاهانه بدنبال مطالعه رود.

در اهمیت این هدف میبایست این نکته را خاطر نشان ساخت که مهمترین تفاوت آدمی با حیوان " تجربه اندوزی" اوست و زبان - چه شفاهی و چه کتبی - مهمترین خدمتی که بآدمی میکند، انتقال تجربه ی انسانها به یکدیگر است. و از این رو بی تردید میبایست کودکان را در کودکستان، دبستان و دوره های بعد با کتاب یعنی مهمترین وسیله ی انتقال تجربه ی نسلهای آدمیان بیکدیگر آشنا ساخت.

۴ - لذت بیشتر هر جا سخن از سعادت و بهروزی آدمی بمیان

آوردیم، بتلویح به لذاید وی از زندگانی اشاره کردیم. و اینک بدون توجه به مباحث فلسفی راجع به سعادت، اشاره میکنیم که امروزه بنا بفتوای قاطبه ی

صاحب نظران، میزان سعادتمندی شخص بستگی مستقیمی بدرک لذات زندگی از طرف وی دارد. و کسی سعادتمند تر شمرده میشود که از تمامی امکانات مادی و معنوی زندگانی لذت بیشتری برده باشد. از این رو یکی از مهمترین هدفهای مقدماتی ادبیات کودک شادان کردن طفل از شنیدن یک داستان زیبا یا خواندن یک شعر قشنگ است. یعنی ادبیات کودک ضمن دیگر هدفهای خویش وسیله‌ای هم برای کسب لذت کودک و شادان ساختن وی بشمار می‌آید.

۵- آموزش تجربه نشان داده است که در مورد کودکان اثر آموزش غیر مستقیم بیش از آموزش مستقیم است. بنابراین منظور از "آموزش" در ادبیات کودکان بهیچ وجه پند و اندرز و نصیحت و یا آموختن مستقیم علوم و دروس نیست. چرا که در آن صورت ادبیات کودک همان مطالب درسی مدرسه محسوب میشود نه چیز دیگر. اما شک نیست که کودک بهنگام شنیدن داستان، افسانه، شعر و بازی پاره‌ای از نمایشنامه‌های کودکانه بکمک مربیان خویش طبعاً "با مطالب و مسائل جدیدی نیز بر می‌خورد. کلمات تازه می‌آموزد، بمفاهیم مجهول پی- می‌برد و پابدنیا های تازه میگذارد. ادبیات کودک بویژه در زمینه‌ی زبان‌آموزی و آموختن کلمات تازه به کودکان نقش قاطعی دارد.

گمان می‌رود این نقش نزد کودکان روستاها یا مردمانی که لهجه‌ی تکلمشان

فارسی نیست، ارزش والاتری بیابد.

فصل سوم

گفتار اول

پیدایش ادبیات و ادبیات کودک

در این مختصر نمیتوان به بحث مفصل چگونگی پیدایش ادبیات پرداخت . اما بطور خلاصه میتوان گفت که بشر اولیه در محیط اطراف خویش با سوءال های بسیاری مواجه میشده است که غالبا " - با توجه باگاهی های بسیار محدودش - به پاسخ گفتن به آنها نائل نمی شده است . اینکه چرا زلزله میشود ، چرا شکار به دست نمی آید و اوگر سنه میماند ، چرا گوسفندان وی دسته جمعی میمیرند و سوءالات مشابه مدتها ذهن ویرا بخود مشغول میداشته است . و با توجه باطلاعات اندک خود غالبا " برای این سوءالها پاسخهایی نادرست می یافته است . وقوع حوادث طبیعی را ناشی از وجود موجوداتی مافوق خود - و گاه در آسمانها می پنداشته است . و چون معیار او برای شناخت آن موجودات عالی و مافوق ، وجود خود او بوده است ، لذا برای آن موجودات غرایز و عواطفی نظیر غرایز و عواطف خویش قائل میشده است . از این رو خدایان بشر اولیه همانند خود او خشمگین میشدند ، گرسنه میگشتند ، سیر میشدند و . . .

و بشر که حوادث و اتفاقات ناملایم را ناشی از خشم آن موجودات علوی
 میپنداشت ، سعی مینمود برای از میان بردن آن خشم و غضب چارهای بیندیند ،
 آواهای مناسب از دهان خویش خارج سازد . حرکات خاصی بعلا مت تسلیم بنماید ،
 قربانی تقدیم وی کند و یا مثلا " برای رفع شرخدایان شرور یا ارواح خبیث صورت
 خویش را رنگ آمیزی کند .

ریشه ی غالب هنرها در همین کوششهای بشر نهفته است و ادبیات هم در
 حقیقت زمانی پیدایش می یابد که بشر سرودها و نیایشهایی برای خدایان میسازد .
 اوراد و اندکاری برای رفع شر ارواح میخواند و یا راجع به چگونگی پیدایش خود
 افسانه می بافد و برای کوچکتران میگوید که او از نسل فلان خداست .
 طبعا " این موجود نوزاد (ادبیات) با پیشرفت و تکامل روز بروز بشر ،
 تکامل یافته است و اینک بعنوان یکی از مؤسسات اجتماعی پای دیگر هنرها
 و همگام با علوم در راه سعادت مندی جامعه گام بر می دارد .

گفتار دوم

تولد ادبیات کودک

در غالب نقاط دنیا ادبیات کودک بمعنای اخصیسی دیرتولد یافته است .
 بدیهی است که میتوان پنداشت با زمزمه ی مادران در قبایل اولیه برای آرام
 ساختن کودکانشان اولین سنگ بنای ادبیات کودکان نهاده شده است . لکن پس

از پیدایش خط و کتابت مدتها و مدتها نوشته یا سروده ای که ویژه ی کودکان باشد ، پدید نیامده است .

علت این امر سخت واضح است . چرا که آدمی طی تاریخ تکامل خویش ابتدا با مشکلات بسیار چنان دست بگریبان بوده است که فرصت اندیشیدن به بسیاری چیزها را نمی یافته است . اما آهسته آهسته با برطرف شدن تدریجی مشکلات و موانع بشری بسیاری مسائل من جمله ادبیات ویژه ی کودک هم اعتنا کرده است .

توجه با ادبیات کودک و خلق آثار مخصوص کودکان در اروپا زودتر شروع شده و در خاور دیرتر .

نزد ما افسانه های قومی و ملی که از دیر باز جهت علاقمندی اعضای جامعه به جامعه ، بوسیله ی جادوگران و رهبران پرداخت میشد ، کم کم توجه کودکان را بیشتر بخود جلب کرد . اما پس از پیدایش خط کمتر نویسندگان و سراینده ای بخلق اثری مخصوص کودکان پرداخت و چند نفری هم که بعضا " چنین کردند ، بیشتر در کتابهای خود آموزش را مورد توجه داشتند تا پرورش را و از همه مهمتر این چند کتاب نادر هم بوسیله ی ایشان برای کودکان معینی نکارش یافت نه جهت استفاده ی عامه ی کودکان .

بهر حال با شروع جنبش مشروطیت در این راه قدمهایی برداشته شد . کسانی همانند صبحی مهتدی و صادق هدایت بجمع آوری ادبیات عامیانه -

که بعضاً " بکار بچه‌های آمد پرداختند. باغچه بان و چندتن دیگر بکارنگارش برای کودکان دست زدند.

جمعی به ترجمه‌ی آثار نویسندگان جهان برای بچه‌ها دست زدند. کوششهای امروزی " کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان " و " شورای کتاب کودک " در این زمینه ارزنده است و بهمت این مؤسسات و واحدهای مشابه امروز تعداد کتابهای خواندنی کودکان که بوسیله‌ی نویسندگان ایرانی نوشته شده است، قابل اعتناست و تعداد کتابهای ترجمه‌شده نیز قابل توجه و فراوان‌تر است.

در حال حاضر کسانی همانند قدسی قاضی نور، نادر ابراهیمی، احمد شاملو، منوچهر آتشی و بسیاری دیگر گاه برای بچه‌ها داستان یا شعری پرداخت می‌کنند. و نیز پاره‌ای از آثار نیما یوشیج و بهرنگی و دیگران بارها چاپ شده و در این رهگذر قابل استفاده است.



فصل سوم

گفتار اول

انواع و تقسیمات ادبیات کودکان

ادبیات کودک را از دیدهای مختلف میتوان بقسمتهای متفاوت تقسیم کرد . اما بنظر ما مهمترین تقسیم در ابتدا بخش ادبیات کودک بدو قسمت بسیار مهم ادبیات نوشته و ادبیات نانوشته است . پس از این تقسیم بندی اولیه در ادبیات نوشته میتوان داستان ، افسانه ، شعر ، نمایشنامه ، زندگینامه و نظایر آن ها را باز شناخت و در ادبیات نانوشته افسانه ، شعر ، مثل و پاره ای از بازیهای توأم با کلام را ذکر کرد .

بگمان ما منطقی است که ابتدا پس از این تقسیم بندی به بیان خصوصیت هر یک از اقسام ادبیات نوشته و نا نوشته بپردازیم و سپس راجع ببخش های هر یک از اینها جدا جدا سخن بگوئیم .

ادبیات نانووشته

مقدمه: با آن که عمر آدمی را بر کره ی زمین تا دو میلیون سال تخمین می زنند، کتابت و خواندن و نوشتن بیش از چند هزار سالی نیست که بوسیله ی بشر اختراع گردیده است. عبارت دیگر " بیان شفاهی " چندین هزار سال پیش تر از " بیان کتبی " پدید آمده است. و طبعاً "از همان زمانها نیز ادبیات پایه عرصه ی وجود نهاده است.

در آن روزگاران افسانه ها، ترانه ها، تاریخ گونه ها و نظایر آنها بوسیله ی گروه های مختلف آدمی - و نه فرد معین - پدیدار شده، دگرگون گشته، تکامل یافته و بوسیله ی بیان شفاهی و نقل رواج و انتشار می یافته است.

بعدها پس از اختراع خط و رواج کتابت و عمومیت یافتن وسایل نوشتن اندک اندک پاره ای از افراد به نوشتن و سرودن و ضبط گفتارها و سروده های پیشین دست زده اند و ادبیات کتبی بدین شکل پا بعرصه ی حیات نهاده است. طبعاً " چنانکه آمد، پس از تولد ادبیات کتبی بسیاری بخش های ادبیات شفاهی بوسیله ی نویسندگان و شعرا با تغییراتی بصورت ادبیات کتبی درآمده است. اما این معنی و توسعه و عمومیت کنونی خواندن و نوشتن نمی بایست این پندار را در ذهن ما بوجود آورد که امروزه - با رواج ادبیات نوشتن دیگر ادبیات نانووشته وجود ندارد. چنین پنداری مطلقاً " با واقعیت تطبیق نمی کند.

زیرا همان طور که نویسندگان و شعرا امروزه در مقابل مسائل محیط خویش بازتاب نشان داده و بنویسند و سرودن می‌پردازند، همچنان مردمان عامی نیز آندوه‌ها، آرزوها، امیال، رنجها و حرمانهای خود و کسان اطراف خویش را در قالب داستان‌های ساده یا اشعار عامیانه و گاه بازیهای تواءم با کلام بیان میدارند. بنابراین غیر از افسانه‌ها و سرودها و ترانه‌های کهن امروز هم ادبیات نا نوشته خلق میشود و در آینده نیز خلق خواهد شد.

گفتار دوم

ویژگیهای ادبیات نوشته و نا نوشته

بین ادبیات نوشته و نا نوشته هم از حیث قالب (فرم ، شکل ، صورت - ظاهر) و هم از لحاظ مضمون تفاوت‌هایی دیده میشود :

الف - تفاوت از نظر قالب : ادبیات نا نوشته وسیله‌ی مردم عامی و

عادی پدید می‌آید. از این رو در داستانهای عامیانه طبعاً " غالب قواعد داستان پردازی زیر پا نهاده میشود. گاهی " شخصیت ها مبهم اند و گاه پیدایش و تکوین آنها بدون دلیل میماند و کمتر سخن از چون و چرا بمیان می‌آید. حوادث گاه ترتیب لازم را ندارد و صحنه‌ها و مکان و زمان گاه کنگ و نا مشخص و گاه خالی از تطابق با واقعیت است .

در اشعار عامیانه هم بعوض قافیه گاهی سجع و گاه ردیف بکار گرفته میشود .

واز زیبایی‌های ادبیات مجلسی در آن‌ها خبری نیست .

جز اینها نحوه‌ی انسجام و بافت عبارات و جملات بزبان سخن‌گفتن روزمره نزدیک تر بوده و در بسیاری موارد ، کلمات رکیک و ناخوشآیند هم در آنها بکار می‌رود . ادبیات نوشته غالباً " از عیوب فوق خالی است یا پاره‌ای از آنها را ندارد .

ب : از نظر مضمون

۱ - اجزاء ادبیات نوشته بشکل شعر ، داستان ، نمایشنامه و مانند آنها بوسیله‌ی اشخاص معینی پدید آورده می‌شود . این اشخاص معین طبعاً " پایگاه ویژه‌ای در اجتماع دارند و به گروه‌هایی که از آنها برخاسته اند ، وابسته اند . و از طرف دیگر منادی اندیشه‌ها ، آرزوها و امیال طبقه‌ی خویشند .

در حالی که ادبیات نانوشته بوسیله‌ی مردمان عامی تکوین می‌یابد . و پدید آورندگان ادبیات نا نوشته وابستگی خاصی جز با گروه‌های پائین جامعه ندارند . و از این رو ادبیات پدید آمده توسط ایشان غالباً " منادی حقوق و امیال و آرزوهای همین گروه‌هاست به عبارت دیگر در حالی که هر جزء از ادبیات نوشته غالباً " به طبقه یا گروه معینی از اجتماع تعلق می‌یابد ، ادبیات نانوشته عمومی تر بوده با کثرت افراد اجتماع متعلق است .

۲ - وابستگی ادیب در ادبیات نوشته بقشر یا گروه خاص و نیز کیفیات موجهه‌ی تکوین شخصیت وی ، او را بهر حال در بیان از صراحت باز می‌دارد .

در حالی که ادبیات نانوخته چون سراینده یا گوینده ی خاصی ندارد ، نه تنها از بیان آشکارای هیچ مسأله ای پروا ندارد ، گاه در این بی پروایی حتی بسیاری از معیارهای اجتماعی را نیز رعایت نمی نماید .

۳- جامعه ی انسانی در هیچ لحظه ای از تکامل و نشو و نما نمی ایستد .

از این رو ادبیات نا نوشته چون ثبت و ضبط نشده و بوسیله ی زبان مردم بازگو میگردد ، همراه با تکامل و نشو و نمای جامعه ، دچار تکامل شده و همپای جامعه پیش میرود .

اما ادبیات نوشته چنین نیست . درست است که ادیب هم بعنوان عضوی از اعضای جامعه ی انسانی طبعاً " پای پیشرفت جامعه پیشرفت کرده و ترقی و تکامل روحیه ی وی در افکارش تاءثیر می نهد ، لکن این تاءثیر تا زمان قبل از تولد شعر یا داستان بوده و بمجردی که اثر هنری خلق شد ، جنبه ی پویائی خویش را از دست داده و ایستامیگردد . این است که کتاب " کلبه ی عموم " یا " بیچارگان " نوشته ی ویکتور هوگو که در روزگار خویش هر کدام از پیشرفته ترین افکار ترقیخواه و انسان دوست جامعه الهام گرفته است ، امروزه چندان تازه و خواندنی جلوه نمی کند . و یا نوشته های زیبای سید محمد علی جمالزاده اکنون بین نسل کتابخوان معاصر طرفدار و خواننده ی چندان نمی تواند داشته باشد .

با آنچه که گذشت میتوان گفت ادبیات نا نوشته ، پویاتر ، انسانی تر ،

صمیمی تر و صریح و بی پرده تر از ادبیات نوشته است. و برعکس ادبیات نوشته فصیح، رسا، ظریف و غالبا "پخته تر از ادبیات نا نوشته است.

گفتار سوم

کار برد ادبیات نا نوشته در ادبیات کودکان

گفتیم که ادبیات نا نوشته صریح، ساده، بی ریا و تکلف و غالبا "دوراز ظاهر سازی و بازی با الفاظ است. بهمین دلایل، پاره ای بواسطه ی سادگی بیان ادبیات نا نوشته می پندارند که تمام این نوع ادبیات قابل استفاده ی کودکان است. در حالیکه واقعیت چنین نیست و بسیاری از اشعار، داستانها، افسانه های عامیانه برای کودکان نامناسب و گاه بدآموز محسوب می شود. ما، در مباحث آتی ضمن بیان شرایط انتخاب داستان و شعر و افسانه برای کودکان، طبعاً " شرایط انتخاب قسمتهائی از ادبیات نا نوشته را برای کودکان بتلویح تذکر خواهیم داد. اما در اینجا ناگزیر از ذکر این نکته ایم که افسانه ها و داستانها و ترانه ها و بازیهای عامیانه و گاه محلی را می بایست دقیقاً " مورد بررسی قرار داد و از بین آنها قسمتی را برای کودکان انتخاب کرد که دقیقاً " شرایط مفصل مورد نظر را - که بعداً " توضیح داده میشود - واجد باشد.



بهره مندی ادبیات کودک از منابع روستائی

هنگامیکه سخن از ادبیات نا نوشته و عامیانه بمیان میآید ، غالبا " ذهن

متوجه ادبیات عامیانه ی شهرها میگردد . در حالی که ادبیات نا نوشته ی روستاها در این میان سهم بزرگی بشمار میآید . بعبارت دیگر میخواهیم بگوئیم که ادبیات نا نوشته ای هم که در روستاها ورد زبانهاست و سینه بسینه نقل میگردد ، همگام با ادبیات عامیانه ی شهری کاملا " قابل بررسی و بحث و در آخر انتخاب است . خصوصیات ذیل غالبا " در ادبیات روستائی قابل تشخیص است :

۱ - هر چه روستا دور افتاده تر و بدورتر از مظاهر تمدن و شاهراهها باشد ، اشعار و داستانهایی که در آنجا ورد زبانهاست ، ساده تر بوده و بطبیعت نزدیکتر است . و معمولا " در ادبیات این گونه روستاها ، عوامل طبیعی چون باران و باد و آفتاب و حیوانات سهم عمده ای دارد و معمولا " موضوع یا " تم " ادبیات این روستاها یا مسائل محلی است و در اطراف نقاط ویژه و مهم آن روستا - نظیر دریاچه ، درخت ، رودخانه و چشمه ایکه روستا مشروب می کند - اتفاق می افتد و یا مسائلی است که در مورد غالب انسانها عمومیت دارد .

۲ - ادبیات روستا معمولا " " دیالکت " یعنی لهجه ی ویژه ای دارد و از

این رو اگر هم بفرض فلان داستان یا شعر دربست در همان روستا برای کودکان مناسب بنظر آید، در جای دیگر ممکن است بکار نیاید.

۳- با وجود دور افتادگی فلان روستای فرضی باز هم بین استخوان‌بندی داستانها و افسانه‌ها و بازیهای آن روستا با آنچه که در جاهای دیگر - حتی نقاط خیلی دور - یافت می‌شود، شباهت‌های فراوان دیده میشود. پاره‌ای از اینگونه نمونه‌ها بواسطه‌ی عمومیت در نقاط متعدد بشرطی که از دیگر نظرها مناسب باشند، برای استفاده‌ی کودکان جالب توجه است.

۴- واقعیت این است که بسیاری از نویسندگان و شعرا در آثار خویش از ادبیات عامیانه ملهم بوده‌اند. پاره‌ای از داستانها و افسانه‌های روستائی اگر هم مستقیماً قابل استفاده برای کودکان نباشند، لاقلاً از راه اقتباس و تکمیل بوسیله‌ی مربیان بکار خواهد آمد. طبعاً در چنین کاری دقت بیشتر و نیز ورزیدگی و مهارت در امر داستان پردازی مورد نیاز است.

۵- ادبیات عامیانه‌ی روستائی از ادبیات عامیانه‌ی شهری هم بی‌پرده‌تر و صریح‌تر است. تعداد بیشتری کلمات رکیک در آنها بکار می‌رود و بسیاری از مسائل عاطفی و عشقی در این ادبیات بشکل تظاهرات بی‌پرده‌ی تمایلات جنسی نمودار می‌شود. بهنگام کاربرد این منابع نهایت هوشیاری لازم است. بهر حال بدون تردید همچنان که ادبیات نانوشته و عامیانه همیشه سرچشمه‌ی فیاض ادبیات نوشته است، قسمتی از ادبیات نانوشته‌ی روستائی در زمینه‌ی ادبیات کودکان قابل بهره‌مندی است.

گفتار سوم

تقسیمات دیگر ادبیات کودک

در ابتدا گفتیم که ادبیات بطور عموم و ادبیات کودک بطور خصوصاً به دو بخش عمده ی نا نوشته و نوشته میتوان تقسیم کرد . و اینک می افزائیم که درهریک ازاین دو بخش عمده انواع ذیل قابل تشخیص است : افسانه ، داستان ، شعر ، مثل ، بازیهای تواءم با کلام ، زندگی نامه و نظایر آن ها .

الف - افسانه و تقسیمات آن

افسانه : مجموعه ی حوادث و وقایعی است که بی در پی اتفاق افتاده و به نتیجه یا نتایجی منجر میشود . فرق اساسی افسانه با داستان قابلیت تحقق داستان در عالم خارج از ذهن و قابلیت تحقق نیافتن افسانه درعالم خارج از ذهن است .

چنانکه مثلاً " وجود مادیانی با چهل کره ، سخن گفتن چنین مادیانی ، سیمرغ و سواری بر آن ، اسب یا قالیچه ی پرنده و نظایر آنها در عالم خارج از ذهن - یعنی دنیای واقعی - شدنی و ممکن نیست . بر عکس خرید یک جوجه ، رشدش ، تخمگذاری و بالاخره تولید یافتن جوجه های دیگر بوسیله ی او اگر با انسجام لازم بصورت داستانی درآید ، همگی درعالم خارج از ذهن شدنی و ممکن است . افسانه ها را میتوان به انواع ذیل بخش کرد :

۱ - افسانه های بسیار کهن این افسانه ها ریشه ی بسیار قدیمی دانسته

و استخوانبندی آنها نزد غالب ملل دنیا یکی است. در این افسانه‌ها، بیشتر جدال خیر و شر و پیروزی خیر بر شر موضوع اصلی است و نیز ممکن است قضا و قدر، سر نوشت محتوم بشر و مجبور بودن آدمی باطاعت از سر نوشت، موضوع قرار گرفته باشد.

این افسانه‌ها در مواردی پایانی دلپذیر دارد و دست‌آخراش خاص افسانه بمراد خویش میرسند. پاره‌ای از این افسانه‌ها نمایشگر تضادهای درونی جامعه انسانی بوده و از رنجها و حرمانهای پاره‌ای از طبقات بعنوان تم اصلی استفاده می‌کند. همچنین در این افسانه‌ها گاه سخن از دیو و غول و جن‌پیری و نظایر آنها بمیان می‌آید.

۲- افسانه‌های حماسی و تاریخی این افسانه‌ها قدمتشان بپای افسانه‌های نوع قبلی نمیرسد. لکن بافت منطقی تری دارد و غالباً "از هدف یا هدفهای خاص پیروی می‌کند. نزد ما افسانه‌های شاهنامه، مباحث اسکندر نامه و رستم نامه از این قبیل است و نزد اعراب فتوحات سیف بن ذی یزن جزو این دسته به شمار می‌آید.

۳- افسانه‌های مذهبی یا نیمه مذهبی از آنجا که ادبیات نانوخته‌سینه بسینه نقل‌میشده است غالباً "نقل‌کنندگان طی سالها و سالها با استخوانبندی اصلی مطالب و مسائل تازه‌ای را افزوده‌اند. این است که گاه در افسانه‌ای یکی از شخصیت‌های کهن تاریخ را در لوای رایت اسلام می‌بینیم. افسانه‌های

نیمه مذهبی در حقیقت افسانه های کهنی هستند که بعدها بضرورت زمان رنگ مذهب بآنها داده شده است .

لکن افسانه های مذهبی غالبا " بشکلی دقیق بر مبنای معیار های دینی استوار است و از هدف واحدی پیروی می کند . آلودگی پاره ای از این قبیل افسانه ها به خرافات و پندارها دقت نظر ویژه ای را هنگام انتخاب آنها ایجاب می کند .

۴- افسانه های جدید نویسندگان و شعرا گاه در چهار چوب افسانه های کهن بخلق آثار تازه می پردازند . و از آن جا که این قبیل افسانه ها نویسنده ای مشخصی دارد که غالبا " در کار خویش صاحب نظر و چیره دست است ، ارزششان و بالاتر از دیگر افسانه هاست . در حال حاضر نویسندگان غالبا " بخلق افسانه رغبت نشان می دهند . نزد ما " کلاغها " نوشته ی نادر ابراهیمی " کبوترچاهی بخانه ات بازگرد " نوشته ی همان نویسنده و بسیاری از کارهای جدیدی که در زمینه ی ادبیات کودکان شده است ، از این دسته محسوب است .

۵- افسانه های علمی افسانه های علمی از زیبا ترین و آموزنده ترین افسانه ها محسوب است . شاید بحق بتوان بنیان گذار این گونه افسانه ها را " ژول ورن " نویسنده ی بزرگ کتابهای " بیست هزار فرسنگ زیر دریا " و " دور دنیا در هشتاد روز " و " مسافرت بکره ی ماه " و چندین کتاب دیگر دانست . در این گونه افسانه ها بعوض بنای کار بر نیروهای ما فوق طبیعت یا غول و جن

معمولا " دنیای شگفت آور دانش یا جهان شگفت آور طبیعت و موجودات و قوانین آنها ضمن داستان جذابی مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. این قبیل افسانه ها معمولا " از حیث جذب نوجوانان به مطالعه و نیز آموزش ایشان قابل استفاده و اعتناست .

ب - داستان و تقسیمات آن

داستان ، مجموعه ی حوادث و وقایعی است که منطقا " پی در پی آمده و منتج به نتیجه یا نتایج می گردد . و فرق اساسی آن با افسانه آن است که حوادث و وقایع داستانها در عالم خارج از ذهن شدنی و ممکن است . از آن جا که داستان واقع گراست ، لذا خلق آن مستلزم تکنیک و روش علمی یا لاقول تجربی است . زمان و مکان ، حوادث و اشخاص میبایست در داستان متناسب با یکدیگر انتخاب شود . و حتی عکس العمل اشخاص در مقابل حوادث ، گفتار و حتی لحن گفته هایشان میبایست حساب شده بوده و با شخصیتشان متناسب باشد . داستانها را از نظرهای مختلف میتوان بانواع گونه گون تقسیم کرد . یکی از مهمترین تقسیمات داستانها بشکل ذیل است :

۱ - داستانهای واقع گرا و غیر واقع گرا هنرمندانه ترین و انسانی ترین

شیوه ی داستان نویسی ، نوشتن نؤام با واقع گرایی است . در این گونه داستانها نویسنده بر مبنای اصل ترتب معلول بر علت اشخاص و حوادث و مکانها را در قبال یکدیگر می نهد و سپس به بیان عکس العمل آن اشخاص بر می خیزد . در

این شیوه نویسنده تنها رل دوربین فیلمبرداری را نداشته بلکه هر جا لازم شود به تعلیل و توجیه بر می‌خیزد. در این داستانها هر مساله ای نتیجه‌ی علل و عواملی است. هیچ اتفاق و حادثه بدون دلیل واقعیت نمی‌پذیرد. و داستان از ابتدا تا انتها بر مبنای جبر علمی و قوانین طبیعی پیش می‌رود. برای نمونه در ادبیات عمومی " جنگ و صلح " تولستوی زیباترین نمونه‌ی این گونه داستانهاست و بسیاری از کارهای بالزاک و در ادبیات عرب " اللص و الکلاب " نوشته‌ی گرامی " نجیب محفوظ " . از اینگونه داستانها در ادبیات کودک داستان زیبای " دهلیز " نوشته‌ی امین یوسف غراب نویسنده‌ی ارجمند مصر را میتوان مثال آورد.

درمقابل این دسته از داستانها، بقیه‌ی داستانهای که اصول فوق در آنها رعایت نشده باشد، عنوان داستانهای غیر واقع گرا را بخود می‌گیرد و طبعاً " هرچقدر که مسیر این گونه داستانها از واقعیت دور افتد، بهمان اندازه از ارزش آنها کاسته میشود. در این داستانها اصل علیت کمتر مورد اعتناست. کودکی شرور و شیطان بلا دلیل در انتهای داستان تنبیه میشود و " راه راست " را انتخاب می‌کند و یا آدمهای درستکار بلا دلیل موفق می‌گردند. شخصیتها با زمان و مکان و حرکات و اطوارشان متناسب نیستند و ارتباط منطقی و عقلی بین مقدمات و نتیجه وجود ندارد. متأسفانه باید اذعان کرد که در حال حاضر

بازار ادبیات کودکان مشحون از چنین " ادبیات " ی است و کار مربیان از این حیث هنگام انتخاب کتاب سخت دشوار میگردد .

۲- تقسیم داستان بر حسب موضوع اصلی غالباً " داستان - بخصوص

داستان کوتاه - بر مبنای موضوع واحدی نگارش مییابد . موضوع مورد نظر در یک داستان عشق است و در دیگری تقوی و در دیگری بدخیم بودن شرارت و نادرستی و در دیگری بی فرجام بودن سستی و تنبلی . پاره ای از داستانها نیز بر حوادث غیر معمولی و شگفت آور استوار است . از این رهگذر میتوان داستانها را به داستانهای عشقی ، داستانهای اخلاقی ، داستانهای اجتماعی ، شرح احوال ، داستان حیوانات و نظایر آنها تقسیم کرد .

گفتنی است که در زمینه ی ادبیات کودکان طبعاً "منظور از داستانهای عشقی عموم داستانهای است که موضوع اصلی آنها را احساسات محبت - آمیز شخص نسبت بدیگران یا حتی حیوانات و اشیاء تشکیل میدهد و بهیچ وجه داستانهای که موضوعشان شرح و بسط مسائل جنسی و جسمی بشکل تحریک - آمیز است ، مورد نظر نیست .

پ - انواع دیگر ادبیات کودک

۱ - شعر - یکی از بخش های مهم ادبیات کودک را شعر کودکان تشکیل میدهد . قابل تذکر است که غرض از شعر کودکان هرگونه شعری که مفاهیمی ساده و کودک فهم را واجد باشد ، نیست . در شعر کودکان مفاهیم و مضامین انسانی

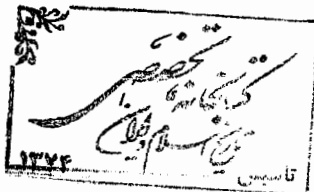
و در عین حال قابل فهم و نیز وزن شعر و قافیه‌ی مود نظر است. طبعاً " وزن و قافیه‌ی مورد نظر در شعر کودکان وزن و قافیه‌ی مورد نظر قدما نیست و بسیاری از مقررات کلاسیک شعر در شعر کودکانه قابل فرو گذاری است. مثلاً " در شعر " پریا " ی آقای شاملو که نزد کودکان محبوبیت یافته است، بسیاری کلمات شکسته بکار رفته است و بسا قوافی که رعایت نگشته و مسائلی از این دست. گفتنی است که متأسفانه نزد ما اشعار کودکانه ی اصیل سخت نادر است و غالب سروده‌هایی که بعنوان شعر کودکان در کتب ادبیات کودکان و یا حتی کتب درسی و مجلات کودکان آمده است، متأسفانه قادر بجلب کودکان نیست. و جای آن است که شعرای گرانمایه ی معاصر با بهره مندی از چشمه ی فیاض و صافی ادبیات کهن ما برای کودکان سروده های ارزنده ای خلق نمایند.

۲- بازیهای تواءم با کلام در هر روستا، بخش و شهرستان نمونه های متنوعی از این گونه بازیها را میتوان دید. بازی اتل منل، جمجمک برگ خزون تقریباً در غالب نقاط کشور ما معمول است. لکن در هر نقطه و گوشه از کشور نیز بازیهای دیگری نیز که تواءم با کلام - غالباً آهنگین - بوسیله ی کودکان انجام میشود، یا موجب سرگرمی و پرورش جسمی ایشان است، کم نیست. از منابع محلی در این زمینه ها پس از بررسی و ارزیابی بخوبی میتوان بهره برد. نکته ی قابل توجه در این بهره مندی سنجیدن بازی و کلمات همراه با آن از سوی مربی است. از پاره ای از بازیها بمناسبت کلام یا حرکات رکیک تواءم

با آنها حتماً میبایست صرفنظر شود.

۳ - متل ها - منظور از متل ها کلام های معمولاً "آهنگینی است که بیشتر بواسطه ی ریتم و موزیک آن مورد توجه بچه ها واقع میشود و غالباً "معنای دقیقی را بذهن متبادر نمی کند. کلام های آهنگین دویدم و دویدم، جمجمک برگ خزون و نظایرشان از این دسته محسوب است.

۴ - نمایشنامه ها و بازیهای عروسکی - معمولاً "بسیاری از مریبان مساله ی کاربرد نمایشنامه را در ادبیات کودکان با اشکالاتی تصور می نمایند. و اجرای نمایشنامه برای کودکان و بوسيله ی کودکان را بعضاً "منوط بوجود امکانات و شرایط مفصلی میدانند از جمله متن نمایشنامه و پاره ای از وسایل اجرائی. در حالی که در این زمینه بیشتر، هدف بجنب و جوش واداشتن کودکان و پرورش نیروهای ایشان است. طبعاً " اگر متن نمایشنامه های ویژه ای برای کودکان که بوسيله ی متخصصان تهیه شده باشد - در دست باشد و یا امکانات دیگری فراهم گردد، ثمره ی کار چشمگیر تر خواهد بود. لکن بعذر نبودن آن وسایل نمیتوان بکلی از کوشش صرفنظر کرد. بادقت هر مریبی میتواند از بین داستانهای که برای کودکان میگوید، چند نمونه را که بهتر میتواند بصورت نمایشنامه درآورد انتخاب کند و رلهای آن را هر بار بین یک دسته از کودکان تقسیم کرده و با مختصر لباس و گریمی ایشان را در پیاده کردن آن نمایشنامه برای دیگر کودکان



یاری کند .

در زمینه ی تاء تر عروسکی گفتنی است که ساختن عروسکها با استفاده از وسایل ساده ممکن است لکن سخن گفتن بجای عروسکها (که معمولا " نزد خیمه شببازان بادهان بازی با گذاردن اشیائی در دهان انجام میشود) وهمچنین حرکت دادن عروسکها با استفاده از طناب یا روش های دیگر محتاج تمرین خواهد بود .

فصل چهارم

گفتار اول

کاربرد ادبیات کودکان

اینک که مختصر سخنی از ادبیات کودک و انواع آن در میان آمده، می‌خواهیم چگونگی بهره بردن از ادبیات کودک را در مهد کودک، کودکستان، دبستان و بهر حال برای کودکان مورد بحث قرار دهیم.

پیش از ورود در این بحث ذکر این نکته ضروری است که بکار بردن انواع ادبیات کودکان ارتباط مستقیمی با شرایط مختلفی که کودکان در آن بسر می‌برند، دارد. عبارت دیگر سن کودک، وضع جسمی و رفتاری وی، چگونگی آشنائی وی با زبان مادری و تعداد لغت هائی که میداند، موقعیت اجتماعی والدین او، وضع اقتصادی خانواده اش و کیفیت تربیت قبلی او تماما " هنگام بهره بردن مری از ادبیات کودک برای لذت دادن و آموزش ایشان بایست مورد توجه قرار گیرد.

و از این رو داستانی که چند کودک را بخویش جلب می‌کند، احتمالا " ممکن است کودکان دیگر همسن ایشان را بخود جلب نکند. بهر حال پس از در نظر گرفتن

تناسب مورد نظر اقسام ادبیات کودکان را بشیوه های ذیل مورد بهره برداری قرار میدهند:

۱- داستان گوئی

در این شیوه داستان گو با تمرین کافی داستان یا افسانه را بذهن سپرده است و بهنگام کار معمولا " در جایی که همهی کودکان ویرا ببینند قرار گرفته و داستان را تواءم با حرکات متناسب و تغییر لحن لازم بازگویی نماید . نحوه ی تعریف داستان و باصطلاح دهان گرمی گوینده ، احاطه ی وی بداستان ، استفاده ی منطقی از حرکات بدن و چشم و ابرو و تغییر بموقع آهنگ صدا از عواملی است که در جذب کودکان مؤثر است . در بین داستان میبایست از دادن توضیحات اضافی و مفصلی که ربط منطقی داستان را قطع میکند ، دوری کرد . جای داستانگوئی لزوما " کلاس و در حالیکه بچه ها پشت میزهایشان نشسته اند ، نیست . برای این منظور گاه میشود از هوای آزاد یا مثلا " نهارخوری بچه ها و جاهای دیگر بهره گرفت . توصیه میشود ، مر بیان مقداری از داستانهای مخصوص کودکان را مطالعه نمایند و با انتخاب و دست چنن کردن چند داستان از میان آنها بپردازند . بهتر است داستان های انتخاب شده چند بار دقیقا " خوانده شده باشد و خلاصه ورووس مطالب آن داستان در کتابچه ی مخصوصی از طرف داستانگو ثبت گردیده باشد . داستانگو قبل از شروع داستان مورد نظر خلاصه را میبایست از نظر بگذراند تا نکته ای از داستان فروگذار نشود .



طبعاً " تم داستانها با یکدیگر متفاوت است . پاره ای آدمی رامحزون میکند و پاره ای شخص را شادمان میسازد . انتخاب هر یک از این داستانها به حالات روحی داستانگو و کودکانش وابسته است . مربی در روزی که بسیار شاد است ، منطقی است که داستان شادمانه ای را انتخاب کند و بعکس . داستان گوئی بوسیله ی کودکان هم ممکن است . داستان های ایشان را هم مربی میبایست انتخاب کرده باشد یا لااقل قبلاً " شنیده باشد .

۲- داستان خوانی

داستان خوانی نوع دیگری از داستان گوئی است . با این فرق که معمولاً " داستانگو در این روش کتاب داستان را در دست یا پیش رو دارد و گاه بدان نگاه می کند . طبعاً " در این روش هم داستانسرا میبایست آنقدر داستان را حاضرالذهن باشد ، که با نگاههای متناوبی بمتن بتواند آن را از حفظ بگوید . در غیر این صورت یعنی اگر قرار شود مربی تمام داستان را در حالیکه چشم بکتاب دوخته است ، بخواند ، کودکان زود خسته میشوند .

گاه همراه داستان خوانی ، میتوان بهنگام ، تصاویر کتاب را هم بکودکان نشان داد و اگر پروژکتور " اوپک " در اختیار باشد ، استفاده از آن در این زمینه جالب تر است .

گفتنی است که برای کودکان خردسال تر داستان گوئی بر داستان خوانی ترجیح دارد اما بتدریج با بزرگتر شدن و پیشرفت کودکان میتوان با کتابخوانی ایشان را به " کتاب " متوجه و راغب نمود .

۳- داستان گوئی تواءم با نقاشی

شخصیت های پاره ای از داستانها معدودند . مربیان نیز تا حدودی طرح ریزی را در کلاسهای هنری آموخته اند . این است که میتوان پاره ای از داستانها را بهنگام گفتن تواءم با نقاشی کرد . در این روش مربی ضمن شرح احوال هریک از شخصیت های داستان بفوریت و با چند خط طرحی از شکل و شمایل ویرا هم بر تخته میکشد . در صورتیکه پروژکتور " اورهد " در اختیار باشد ، میتوان قبلاً " نقاشی های لازم را با ماژیک بر نوار سلولوئید یا کاغذ مومی تهیه کرد و سپس بهنگام تواءم با شرح شفاهی آنها را نشان داد .

۴- سرود و ترانه خوانی

از بین ترانه ها و سرودهای ویژه ی کودکان میتوان به دست چین چندتائی از آنها پرداخت .

مربی چند بار ترانه ی مورد نظر را با آهنگ خاص میخواند و سپس از بچه ها میخواهد که دسته جمعی ترانه را بخوانند . آشنائی با مقدمات موسیقی ، مربی را در این امر بیشتر موفق میسازد .

۵- بازی تواءم با شعر

از مهیج ترین و جاذب ترین نوع کاربرد ادبیات کودک این روش آن است . در این روش بچه ها ضمن انجام فعالیت بدنی خاصی اشعار خاصی را نیز میخوانند . در این مورد و مورد فوق الذکر ظاهراً "مجموعه ی سرودها و ترانه هائی از سوی وزارت آموزش و پرورش بطبع رسیده است .

۶ - نمایشنامه

پیش تر در این زمینه توضیحی داده شد . اینک می افزائیم که پس از یکی دوبار که داستانی گفته شد . در صورتیکه مورد علاقه ی کودکان واقع شده باشد ، میتوان آن را بوسیله ی ایشان اجرا کرد . طبعاً " در این روش مربی رل کارگردان ، سوفلور ، گرمور ، منشی صحنه را تواءماً " دارد و در هر مورد بچه ها را به اجرای بهتر راهنمایی میکند .

فصل پنجم

گفتار اول

شرایط انتخاب داستان و شعر برای کودکان

بگمان ما این فصل از مهمترین مباحث ادبیات کودک است . چراکه کمتر گفته یا واقعه‌ای است که در ذهن کودک تأثیر ننهد و در ساخت و تکوین شخصیت وی مؤثر نباشد . از این رو منطقاً " نمیتوان هر نوشته و سروده‌ای را بصرف اینکه بنا بادعای نویسنده ویژه‌ی کودکان خلق شده است برای کودکان مناسب دانست . بلکه میبایست با وقت صرف فراوان و مطالعه‌ی اینگونه آثار با توجه بمعیارهای ذیل بهترین و مناسب ترین کارها را برای ارائه انتخاب نمود . معیارهای ذیل بر این پایه انتخاب شده است که اصولاً " هر نوشته جهت‌القای فکر خاصی میبایست تهیه شود . این فکر خاص را گاه " محتوی " داستان یا شعر میگویند .

طبعا" برای بیان این محتوی کلمات و عباراتی نیز بکار گرفته شده است. گاه توصیف بمیان آمده و گاه مکالمه‌ی شخصیت‌ها بکار گرفته شده است. آن کلمات و عبارات و روش توصیف و مکالمه رویهم رفته قالب و فرم کار نوشته را تشکیل میدهد. حال برای اینکه آن محتوی در این قالب و فرم بدست خواننده برسد، ناگزیر میبایست نوشته بنحوی چاپ و منتشر شده باشد. نوع چاپ و کاغذ و مرکب هم در انتخاب کتابهایی که به خود بچه‌ها توصیه میکنیم بخوانند، مهم و مؤثر است. حال با توجه به سه عنصر اساسی فوق یعنی محتوی و قالب و تکنیک چاپ و انتشار بذکر معیارهای انتخاب کار برای کودکان بهمین ترتیب می پردازیم.

۱- واقع گرائی پیش تر راجع به واقعیت گرائی مختصر سخنی گفته ایم. در اینجا منظور ما از واقع گرائی آن است که موضوع و تم و بعبارتی محتوای داستان یا شعر با دنیای واقعی که کودک میبایست در آن زندگی کند، متناسب باشد. ادبیات کودک موظف است آهسته آهسته و طی زمان واقعیت‌هایی چون تولد، مرگ، غم، شادی، رنج، عشق و نفرت را بکودکان بشناساند و در این شناساندن هرگز از حد تعادل نمی‌بایست دور شود. شعریا داستانی که "مرگ" را سیاه‌ترین و مشؤوم‌ترین حوادث دانسته و آن را ضمن خود علت و مسبب بدبختیهای بعدی می‌انگارد، مردود است. داستان یا شعریا گونه‌های دیگر ادبیاتی که نفرت را بالکل محکوم و مطرود میدانند و معتقد است و القاء می‌کند

که آدمی حتی به دشمنان و شروران نیز بایست محبت کند و نفرت نرزد، بکار کودکان این روزگار نمی‌خورد. داستانی که از یک ناکامی عشقی مرثیه‌ای سوزناک می‌سازد، کودکان را بیمارگونه و متعالم ساخته برای هر گونه یأس و دلزدگی آماده مینماید.

۲- منع پیشداوری های غیر منطقی

تم و موضوع بسیاری از افسانه‌ها یا داستانها رنجها و حرمانهای کودکان یتیم تحت آزار و فشارهای پدر خوانده یا مادر خوانده است. اینگونه کارها در ذهن کودکان نسبت بیک موجود فرضی بنام پدر خوانده یا مادر خوانده پیش-داوری منفی پدید می‌آورد و بسا می‌شود که کودک با چنین پیشداوری قبلی بنا به دلایل طبیعی یا اجتماعی ناچار از زندگی با چنین کسانی شود. بدیهی است که در چنین شرایطی هر گونه تصمیم یا اقدام یا گفتار پدر خوانده یا مادر خوانده ولو با نهایت صمیمیت و خیر خواهی هم بانجام رسد، از طرف کودکی که پیشتر در ذهن خود ایشان را محکوم ساخته است، تفسیر منفی و معکوس می‌یابد.

گفتنی است که پاره‌ای از داستانها مرگ والدین را سخت و حشتناک جلوه داده و بعضاً "آن را پایان همه‌ی سعادت‌ها و آسایش‌ها قلمداد می‌کند.

واقعیت این است که مرگ هر یک از والدین ضربه‌ای بر پیکر خانواده است. اما بیشک هیچ مرگی نمی‌بایست موجب تباهی زندگانی زندگان بعدی بگردد.

داستانهایی که اینگونه مطالب را القا می‌کند برای کودکان مناسب نیست.

۳- واداشتن کودک به سازندگی و کار

بسیاری از افسانه ها و برخی از داستانها مشحون از وقایع و حوادثی است که ناخردمندانه بیاری پاره ای از اشخاص داستان می شتابد ، ایشان را ثروتمند میسازد ، کامروا می کند و سعادت مند می نماید .

طبعاً " غرض ما از این سخن تاء پید داستانهای نومید کننده نیست . اما حقیقت این است که کودک باید بداند که اگر امروز ما در ساختمان های آسمان - خراش سکونت داریم و با استفاده از نیروهای مختلف بتولید حرارت و سرما و حرکت پرداخته و باری بسی آسان تر از انسان های اولیه زندگی میکنم ، تمامی این آسان زیستی ها نتیجهی کوشش ، تلاش و کار صمیمانه و پیگیر اجداد و پدران والاتبار ما است . و ما نیز برای افزودن بدین بهروزی و سعادت میبایست درصدد تلاش و کوشش برائیم .

۴- موفقیت نویسنده در رساندن پیام خویش

گاه می شود که نویسنده موضوع و ایده ی جالب توجه وارزندهای راموضوع کتاب خویش قرار داده است اما بدلیل نپختگی در کار یا عدم تسلط بر کلمات یا انتخاب سیاق عبارت نامتناسب و یا عدم پرداخت و تحلیل درست به رساندن پیام خویش موفق نشده است و یا مطلب طوری عنوان شده است که پس از خواندن نتیجه ی عکس از آن حاصل میشود . این گونه کتابها بزحمت قابل انتخابند .

۵ - تناسب قالب

گذشتگان ما فصاحت را گنجاندن بیشترین معنی در کمترین لفظ با رعایت مقام می دانستند. تناسب قالب با موضوع از طرفی و بامقام (یعنی رعایت سطح معرفت خوانندگان) سخت مورد توجه است.

زیباترین داستان کودکانه ای که بزبان و روش مرزبان نامه یا کلیله و دمنه نوشته شده، بکار کودکان نمی آید. عدم توجه و اعتنای کودکان به برنامه های نقالی تلویزیون دقیقا "در همین نکته نهفته است. چرا که نقالان - بعبادت خویش - معمولا" عبارات و ضرب المثل هائی را بکار می برند که از ذهن کودکان دور است. از این گذشته رعایت تناسب مکان و زمان و تناسب بین پرداخت شخصیت ها و افکار و رفتار ایشان بر مبنای قانون علیت از اهم اوصاف داستانهای قابل انتخاب است.

۶ - تکنیک چاپ

الف - قطع کتاب. برای کودکان مهد ها و کودکانها قطع های خیلی کوچک (کوچکتر از کتاب جیبی) معمولا" بسبب سهولت حمل و نقل مناسب است. حجم این کتابها نیز بیش از چند ورق نیست. در سنین بالاتر قطع کتابها اگر بزرگتر انتخاب شود، از لحاظ امکان چاپ نقاشی و تصاویر لازم جالب توجه تر است. حجم کتاب در سنین بالا طبعاً "می تواند بیشتر باشد.

ب - کاغذ: برای کودکان مهد ها و کودکانها کتابهایی با صفحات مقوایی

قابل شست و شو جالب است . برای کتابهای دیگر کودکان استفاده از کاغذهای مات توصیه میشود و نیز کاغذهایی که اندکی ضخیم تر از معمول باشند .

جیم - نوع حروف من شخصا " کتابهایی را که با دقت نوشته شده و عکسبرداری میشود ، کمتری پسندم . زیرا معمولا " خطاطان بهنگام نوشتن نستعلیق مینویسند و اینگونه نوشته ها برای کودکان کمتر قابل خواندن است . در انتخاب حروف چاپی کتاب هم میبایست دقت شود که حروف چندان ریز انتخاب نشده باشد که چشم کودک را آزار رساند یا معیوب گرداند . مرکب سیاه برای چاپ حروف بر کاغذ سفید بر رنگهای دیگر مرکب از جحیت دارد .

دال صحافی : معمولا " هنگام صحافی یا " فرم " های کتاب را کنار هم گذارده و با " مفتول " میدوزند . یا کتاب را " نه چسب " میکنند . نوع اول ترجیح دارد و نوع دوم بزودی ورق ورق میگردد .

هاء - جلد کتاب ناشران نشر کتاب را در جلدهای " سلوفان " ترجیح میدهند . این جلدها در عین اینکه زیبا و قابل تمیز کردند ، موجب کرائی بهای کتاب میگردند . جلد مقوایی (شمیز) معمولا " این عیب را دارد که کتاب به واسطه ی تا شدن زودتر کهنه میشود .

واو - نقاشی نقاشی کتاب میبایست متناسب با موضوعات ، حتی الامکان برنگهای طبیعی و متناسب با واقعیت باشد . پاره ای از صاحب نظران کاریکاتور را برای کودکان مناسب نمی دانند .



فهرست منابع و مآخذ

هر مؤلف ، بهنگام نگارش ، معمولا " چکیده ی دانسته های خویش را که غالبا " طی زمانی طولانی از اینجا و آنجا فراهم گردیده است ، در قالب فصول و مباحث میگذراند . اما با توجه با اهمیت موضوع نگارش معمولا " پاره ای از کتابها و مآخذ را بویژه قبل از تالیف مورد بررسی قرار میدهد . من نیز چنین کرده ام و در نگارش این مختصر ، صرفنظر از دانسته ها و آگاهی هائی که طی مدتها تحصیل و تعلیم حاصل گردیده است ، به کتابهائی که نامشان ذیلا " میآید ، توجه داشته ام .

توفیق ارجمندانی را که در این رهگذر خوشه چین دانش و فضلشان بوده ام ،

آرزومندم .

- ۱- فی النقد الادبی نوشته ی دکتر شوقی ضیف
- ۲- دراسات فی القصة والمسرح نوشته ی : محمود تیمور
- ۳- هدف ادبیات " " ماکسیم کئورکی
- ۴- هنر داستان نویسی " " ابراهیم یونسی
- ۵- کذری در ادبیات کودکان نوشته ی : لیلی ایمن ، توران خمارلو
(میرهادی) ، مهدخت دولت آبادی
- ۶- شعر کودک در ایران " " محمود کیانوش
- ۷- علم الاجتماع " " یحیی مهدوی

دیگر تالیفات نویسنده

۱- کلثوپا تراوتیمور لنک در کنکره بین المللی صلح (داستان- ترجمه)

نوشته ی محمود تیمور بک چاپ اول

۲- در پشت پرده (نمایشنامه- ترجمه) نوشته ی یوسف السباعی چاپ

اول

۳- پهن دست نیرنگ (داستان- ترجمه) نوشته ی یوسف السباعی چاپ

اول

۴- خودآموز مکالمات زبان عربی چاپ اول (ناباب)

۵- کاکلی (داستان کودکان) زیر چاپ

۶- دزدو سگها (داستان-ترجمه) نوشته ی نجیب محفوظ آماده چاپ

۷- روش مستقیم آموزش زبان عربی آماده چاپ



